



## ندای سرخ را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

### جمع بندی از دو ماه مبارزه (2)

## همکاری ارتجاعیون و اصلاح طلبان در به انفعال کشیدن مبارزات مردمی

احمد فارسی

نتیجه دو ماه مبارزه مردم ضعف حکومت ارتجاع اسلامی را ظاهر کرد و به حکومتیان نشان داد که حتی با وحشیانه ترین اقدامات قادر نخواهند بود که از سیل انقلابی مردم جان به در برند. همچنین به بخش اصلاح طلب حکومتی نشان داد که حتی متوهم ترین افشار مردمی، اگر به قدرت و نیروی خود در خیابان ها پی ببرند، بسرعت از خواسته های ناچیز و قدرت طلبانه ی ایشان گذر کرده و به سمت سرنگونی حکومت حرکت خواهند نمود. جناح های حکومتی، در این مدت، متوجه گشته اند که در صورت تداوم شرایط کنونی، دیگر حکومتی باقی نخواهد ماند تا بخواهند بر سر سهمشان در این حکومت به رقابت بپردازند. البته جناح سوم که ابزارهای اصلی قدرت، یعنی قدرت سرکوب مسلحانه را در اختیار دارد، هنوز بر مواضع خود پافشاری می کند. در روزها و هفته های آینده، رقابت این سه جناح در رأس هرم سیاسی است که تکلیف ترکیب قدرت آینده ی را مشخص می سازد. مناطق مانور تقابل و تسامح این جناح ها در ترکیب هیئت دولت، عملکرد قوه قضاییه و نیروهای مسلح و امنیتی خواهد بود. این به معنای منافع مشترک جناح های تشکیل دهنده هیئت حاکمه در به انفعال کشیدن مبارزات خیابانی توده هاست.

از طرف دیگر توده های مردم آموختند که صحنه ی مبارزات ایشان و محل تمرکز قدرت شان در خیابان ها و میادین است. به آن علت که خصوصیات ساختاری این مراکز طوری است که می تواند جمعیت انبوهی از مردم را در خود جای دهد. پس هنگامیکه می گوئیم « محل تمرکز قدرت شان در خیابان ها و میادین است» اشاره به محلهایی است که قدرت متحد ایشان را بروز می دهد و می تواند ظرف مناسبی برای اقدامات یکپارچه ایشان باشد. با چنین تمرکزی از مردم در یکجا، آنها از خواسته های یکدیگر مطلع می گردند و منافع مشترکشان را می یابند و به یکپارچه شدن اراده و هم جهت شدن اقداماتشان می رسند. دقیقاً بر همین بستر و شرایط بود که در عرض یکی دو روز بعد از آغاز مبارزات، مردمی که در خیابان ها و میادین بودند، به خواسته های مشترکشان در سرنگونی دیکتاتوری و حکومت اسلامی پی بردند و با اراده ای متحد، توانستند با دست خالی در مقابل حکومتی تا بن دندان مسلح، که هیچ پروایی در کشتار جمعی و اعمال خشونت آمیز نداشت بایستند و نشان دهند که برای ایجاد توازن قوا، حتی نیازی به اعمال خشونت متقابل ندارند.

اگر باز هم به نیروهای حکومت ارتجاعی رجوع کنیم، می بینیم که رهبران ایشان در موقعیتی کاملاً پیوسته به بدنه ی حداکثری خود بودند. در سخنرانی ها و تبلیغات رسانه ای شان، اهدافی ارتجاعی و غیر انسانی شان را به این بدنه تفهیم کرده و در حین سرکوب، به ایشان آموزشهای لازم را می دادند و راه های تقابل جدید و مؤثرتر را در اختیارشان می گذاشتند. بدون حساب خرج می کردند و ابزارهای مختلفی برای پیشبرد اهدافشان در اختیارشان می گذاشتند. اما، در طرف مردم شاهد بودیم که، رهبران اصلاح طلب کاملاً خود را از بدنه ی مردمی جدا کرده، هیچ رهنمود سازنده ای درباره تقابل های خیابانی صادر نکرده، و هر وقت که دهان می گشودند مردم را از عکس العمل های دفاعی در مقابل اعمال خشونت نیروهای حکومتی بر حذر داشته، هیچ ابزار و آموزشی را در اختیارشان نمی گذاشتند. و فقط بر کوس تجمع و گذاردن فشار بر مراکز حکومتی تأکید می کردند و توجهی به شرایط و اوضاع مبارزین نداشتند و عقبه ای را برایشان در نظر نگرفته بودند و خلاصه به هیچ چیز جز خواسته ی ناچیز و بی مقدار درون حکومتی خود نمی اندیشیدند. البته در میان مردم نیروهای انقلابی نیز حضور داشتند که پا به پای مردم در خیابان ها بودند. سعی میکردند تا راه های تقابل را به گروه های مختلف مردمی بیاموزانند و ایشان را تشویق به دفاع از خود و اقدام به خلع سلاح دشمن می کردند. در تبلیغات خود سعی داشتند تا مردم را به دورنمای خواسته هایشان آشنا سازند. همواره بر سازماندهی محلی نیروها پافشاری می کردند و گو اینکه دارای هیچ پشتوانه ای برای تولید ابزارهای دفاعی و توزیع آن بین مردم نداشتند، اما کوشش می کردند تا راه های ساختن این ابزار را از مواد و اجسام روزمره و معمولی به ایشان بیاموزانند. اما امکانات مادی و تبلیغاتی و نیروهای میدانی ایشان به حدی قلیل بود که می توان گفت، هیچ تأثیری در جهت دهی این مبارزات نداشتند.

اما این تمام چهره ی شرایط دو ماه اخیر نیست. همانطور که گفتیم در روزهای اوج مبارزات مردمی شاهد قدرت حداکثری حکومتی بودیم. مانند هفته بعد از سی ام خرداد و یا 18 تیر و ... حکومت هر آنچه داشت را به میدان آورد و تا توانست نیروهای غیر متعهد به خود را نیز با دستمزدهای بالا استخدام کرد و متشکل نمود و به میدان کشاند. اما، نیروی مردمی تنها با درصد بسیار قلیلی از جمعیت بالقوه انقلابی و بصورت غیر متشکل و بدون هدف مشخص در مقابل آنها صف آرایی کرد. رهبران اصلاح طلب که همواره از نیروی بپاخاسته ی مردمی هراس دارند، نه تنها اقدامی برای طرح خواسته های جنبش های اجتماعی و به میدان کشیدن ایشان، بویژه طبقه کارگر، نکردند، بلکه عاملان خود را در جنبش های کارگری و زنان بر آن داشتند که بدنه ی خود را تشویق به عدم حضور متشکلانه کرده و در موضع بی طرفی قرار بگیرند. حتی در مواردی به کارگران و زنان القا می کردند که اگر آنه با خواسته های خود به این میدان وارد شوند، به مبارزات مردمی ضربه خواهند زد. (1) در صورتیکه در مراکز مبارزات مردمی، عدم حضور متشکل جنبشهای اجتماعی، بویژه طبقه کارگر، کاملاً محسوس بود. و باز هم صدا و تعداد انقلابیون آنچنان خفه و قلیل بود که هیچگونه تأثیری در ایجاد تغییر در این شرایط نداشت.

با در نظر گرفتن شرایط سیاسی و مبارزاتی ای که در بالا توضیح داده شد، طبیعی بود که پس از دورانی، نیروی مبارزاتی مردم فرسایش یافته و حداقل بصورت مقطعی، دچار آفت شود. اما، کاملاً مشهود است که این آفت، از طرف کودتاچیان و اصلاح طلبان، هر دو، به این جنبش تحمیل شد. کودتاچیان با سرکوب های وحشیانه و تحمیل هزینه های حداکثری به مبارزات مردمی، و اصلاح طلبان از طریق سوء رهبری و عدم حمایت از ایشان.



## ندای سرخ را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

امروز نیز ما شاهد همکاری جناح های خامنه ای و اصلاح طلبان برای تحمیل و تداوم انفعال در این مبارزات هستیم. اصلاح طلبان با سوء استفاده از هزینه های سنگین و وحشیانه ی نیروهای مسلح در این جریانات، در نقش مدافعان حقوق مردم ظاهر شده و می خواهند مردم را به راه های قانونی و کاغذ بازی و دالانهای پر پیچ و خم بروکراسی حکومتی بکشانند (2) تا از دخالت مستقیم مردم در امور سیاسی و قضایی از طریق مبارزات خیابانی و میدانی باز دارند. گو اینکه خودشان هم می دانند و می خواهند که این خیمه شب بازی «قانونی» به هیچ سرانجامی نرسد. همانطور که در قتل های زنجیره ای و حوادث کوی دانشگاه 1378 و دیگر پرونده های ضد حکومتی به جایی نرسید. جناح خامنه ای نیز که متوجه قدرت مردمی و موقعیت بسیار ضعیف حکومت جانپان و دزدان شده است با تغییر عوامل قوه قضاییه و برخی از عناصر منفور آن، سعی در ایجاد زمینه ی توهم مردمی به امکان توفیق اقدامات اصلاح طلبان دارد. البته بازهم جناح پر قدرت سپاه به نمایندگی احمدی نژاد که به هیچ عنوان خواهان کوچکترین تغییر در توازن قوا در هیئت حاکمه نیست و خواهان مفتضح کردن و بی اعتبار کردن اصلاح طلبان است، همچنان به «قانونی» بودن جنایاتش پافشاری می کرده (3) و در مقابل این اقدامات مقاومت می کند. اما، هنوز جایگاه خود را آنچنان مستحکم نمی باید که بتواند با حذف دو جناح دیگر، در مقابل موج به مراتب سهمگین تر مبارزات آتی مردمی دوام بیاورد.

همانطور که گفتیم، اینکه مبارزات مردمی در مقابل چه ترکیبی از هیئت حاکمه قرار خواهد گرفت، به تقابل و رقابت های درونی جناحین هیئت حاکمه بستگی خواهد داشت. اما ترکیب مبارزات مردمی را می توان از هم اکنون پیش بینی کرد. همانطور که دیدیم جناح اصلاح طلب حکومتی تمام سعی خود را برای عدم گسترده تر شدن صف مبارزات مردمی به کار بست، اما، هرگز نمی توانست از تأثیر گذاری آن در جنبش های اجتماعی جلوگیری کند. جنبش های اجتماعی، و بخصوص نیروی تعیین کننده ی آن، طبقه کارگر، به ضعف حکومتی که تا قبل از این مبارزات شکست ناپذیر می نمود، پی برده اند. جنبش کارگری، پس از یک وقفه کوتاه مدت که به علت غافلگیر شدنش از شرایط جدید بود، دوباره سر بر آورده و از هم اکنون تاکتیک های رادیکال تری اتخاذ نموده است. (4) در جنبش زنان نیز صداهای مخالف به عملکرد منفعلانه ی دو ماهه آن برخاسته است. اما باید به خاطر داشت که هنوز نیروهای انقلابی در اقلیتی مطلق قرار داشته و رهبری این جنبش ها هنوز در دست عوامل اصلاح طلب چپ و راست است. پس متأسفانه این واقعیت نیز قابل پیش بینی است که با آغاز دور جدید مبارزات، که از هم اکنون با نام «خیزش یقه آبی ها» شناخته شده است، سعی خواهد شد تا خواسته های آنان همچنان در سطح صنفی باقی مانده و با خواست های عمومی و دمکراتیک توده ی مردم گره نخورد.

وظیفه ی ما نیز همچنان چند وجه اساسی دارد. متأسفانه، علیرغم کوشش های شبانه روزی مان، ما نتوانستیم از موقعیتی که به ما امکان تمرکز در سازمان نظری اتحاد کمونیست های انقلابی را می داد استفاده بریم و زمینه های ایجاد حزب طبقه کارگر را آماده سازیم. پس هنوز این مهم در رأس وظایف ما قرار دارد. اما، از طرف دیگر نمی توانیم به بهانه ی کمبود نیرو و امکانات از وظیفه خطیر کمک رسانی و جهت دهی به مبارزات مردمی رویگردان شویم. ما باید همچنان در میان مردم به تبلیغات و سازماندهی مشغول باشیم. از یکطرف با ایجاد هسته های کمونیستی انقلابی به آموزش و پرورش کادرهای متعهد و بعضاً حرفه ای اقدام نموده و فعالیت های عملی خود را با ایجاد حزب طبقه کارگر عجین سازیم. و از طرف دیگر با تحلیل ماتریالیستی از شرایط مبارزات طبقاتی، علیرغم نیروی ناچیزمان، رهنمودهای عمومی صادر کنیم. مهمترین تاکتیک ما در این مرحله حفظ استقلال اهداف و منافع و بطور کلی خط مشی طبقه کارگر است، حتی اگر دارای نیروی اجرایی کافی برای اجرایی کردنش نداشته باشیم.

**سرنگون باد حکومت جمهوری اسلامی!  
مرگ بر سازشکار!  
نان، مسکن، آزادی – جمهوری شورایی!**

- (1) «گفتگوی اشتراک با یکی از فعالین کارگری در ایران 20 مرداد 1388» و « ده روزی که ایران را لرزاند، و چالش های تازه جنبش زنان -نوشین احمدی خراسانی 15 -تیر 1388 »
- (2) منظور اقدامات کروی در مورد شکنجه ها و تجاوزات به بازداشتیان مردم است.
- (3) اظهارات اخیر مقامات نیروی انتظامی در مورد کهریزک و کوی دانشگاه و...
- (4) در گزارشات جدید کارگران کمتر به ارگان های حکومتی رجوع کرده و بیشتر به اتخاذ تاکتیک هایی از قبیل مسدود ساختن جاده ها، تصرف های کوتاه مدت محل اشتغال و گروگانگیری مدیریت و ... روی آورده اند.

**انتشار از «ندای سرخ» وابسته به گروه «بسوی انقلاب»**

**هشتم شهریور 1388**